

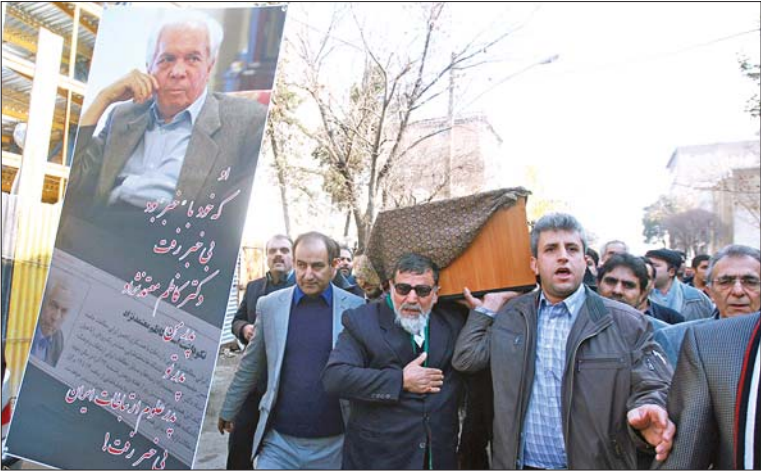
نگاه

تحقیق و تفحص

فقط از «تامین اجتماعی»؟

فرشید یزدانی

● جدای از برخی اشکالات روشی و منشی که بر گزارش تحقیق و تفحص وارد بود و با تأکید بر ضرورت تهیه و آرایه چنین گزارش‌هایی از سازوکارهای نهادهای مختلف به افکار عمومی و لزوم بازخواست افسرادی که در گیر چنین اتفاقاتی بوده‌اند، از متن این گزارش دو پرونداد اصلی حاصل می‌شود که ملاکی برای اعتماد بیشتر مخاطبان به این سازمان اجتماعی است. نخست موضوع افزایش هزینه‌های پرسنلی است که معلوم نیست چرا در میان خیل مسایل مختلف و قابل بررسی تدوین‌کنندگان گزارش به این امر پرداخته‌اند. شاید خواست‌اند از این طریق مهری بر سلامت نهادی این سازمان بزنند. اما در هر صورت نتیجه گزارش مبین آن است که افزایش این هزینه‌ها مطلق با افزایش آن در تمامی سطوح اداری و حقوق و دستمزد در دولت و بخش خصوصی و نشان از طی فرآیندی کاملاً متناسب با قوانین و شرایط عمومی جامعه بوده است و درواقع نمایانگر همسویی این هزینه‌ها با کلیت دستمزدها در کشور است. خود این امر به‌نوعی نشانه‌ای از سلامت حاکم بر مناسبات کلی در این سازمان است نکته دوم در خصوص موارد مربوط به تخلفات، اعم از دریافت‌های غیرمعمول یا اقدامات خاص و افرادی که به نحوی از امکانات این سازمان سوءاستفاده کرده‌اند است. از کل اسامی اعلامی تعداد اسامی‌ای که مربوط به کارکنان رسمی این سازمان است به تعداد انگشتان دست نمی‌رسد و بقیه افرادی بوده‌اند که به صورت مقطعی و به‌تبع ارتباطات با دولت پیشین به این سازمان آمده‌اند و رویکرد اصلی آنها هم برخورداری از رانت‌های موجود بوده است. نسبت تعداد اسامی همکاران این سازمان به کل کارکنان آن که در گزارش ۶۴هزار نفر ذکر شده، نسبتی شاید نزدیک به صفر و از نظر آماری قابل اغماض است. اما در دیگر سو، رد افراد مختلف از نهادهای مختلف (از جمله ستاد نماز جمعه، بازرس ریاست‌جمهوری و…) به چشم می‌خورد که در این میان وجود شماری از اعضای محترم مجلس شورای اسلامی جای تعمقی جدی دارد. ۶۶تفرسر این نمایندگان اقدام به معرفی افراد برای استخدام در سازمان کرده‌اند (البته گویا این‌ها به‌جز مواردی است که برای پست‌های مدیریتی در حوزه‌های اقتصادی نفر معرفی می کرده‌اند) و ۳۷تفر نیز «کارت هدیه» دریافت کرده‌اند. جمع این نمایندگان ۰۴ (چهار نفر است. یعنی چیزی حدود ۳۸ درصد مجلس‌نشینان محترم، به‌نوعی، در این چرخه ناسالم بر گیر شده‌اند. چنانچه فرض کنیم تمامی این ۳۷تفر با آن ۶۶تفر همپوشانی دارند این درصد به حدود ۲۵درصد می‌رسد.



با همان دانشکده‌ای وداع کرد که آن را ساخته بود. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، سالن اجتماعاتی داشت که دکتر کاظم معتمدنژاد بارها در آن سخنرانی کرده بود، اما دیروز پیکرش در حیاط دانشکده آرام گرفته بود و در آن سالن اجتماعات، عکسی از استاد ارتباطات پشت جایگاه سخنرانی نصب شده بود؛ عکسی از دوران سالخوردگی، با موهای سپید و پیشانی بلند. سالن اجتماعات دانشکده علوم اجتماعی که در میانه دهه ۴۰ اولین نهضادی بود که با همت روزنامه کیهان برای آموزش روزنامه‌نگاران در ایران به وجود آمد، ساعت ۹ صبح دیروز به تدریج پر می‌شد. نوای قرآن می‌آمد و آدم‌ها از راه می‌رسیدند و گوشه‌ای روی صندلی می‌نشستند. برخی بی‌قرار از خبری که از پنجشنبه شنیده بودند، روی صندلی آرام نمی‌گرفتند و پشت در ورودی سالن می‌ایستادند. بیرون سالن، در میان جمعیت آمیخته از استادان و روزنامه‌نگاران و دانشجویان امروز و دیروز، می‌شد حسن نمکدوست تهرانی را دید و همین‌طور علیرضا حسینی پاکدهی، محمدمهدی فرقانی و هادی خانیکی را. آنها به جز نمکدوست که هشت سال پیش از همان دانشکده اخراج شده بود، همه اعضای هیأت علمی دانشکده بودند و صاحب عزا به شمار می‌آمدند. نزدیک در ورودی دانشکده نیز وحید معتمدنژاد، برادر کوچک‌تر دکتر کاظم معتمدنژاد، ایستاده بود.

داخل سالن اجتماعات، مراسم سخنرانی و تجلیل از استاد تازه در گذشته برقرار بود؛ هم او که در دهه ۶۰ همراه با دکتر نعیم بدیعی به قدری صبر و استواری کرد تا توانست دوباره علوم ارتباطات را در دانشگاه احیا کند. پس از انقلاب، علوم ارتباطات به گرایش‌ی از رشته جامعه‌شناسی تبدیل شده بود اما معتمدنژاد و شاگردانش آن رشته را احیا کردند. بعدتر، در سال ۸۳ آنها توانستند مجوز دانشکده علوم ارتباطات را هم بگیرند و کاری کنند که دانشکده به لوج اهمیت خود در

سال‌های پیش از انقلاب برسد. با این حال، هنوز این دانشکده ساختمان خود را پس نگرفته و تنها روی کاغذ موجودیت دارد.

دیروز، به تدریج سالن اجتماعات همان ساختمانی که ۴۰سال پیش در سه راه ضرابخانه ساخته شده بود، پر می‌شد و تعدادی از حضار کنار صندلی‌ها ایستاده بودند تا سخنرانی‌ها را بشنوند. ابتدا، محمدحسین پناهی، رییس دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، سخن گفت. پناهی از صمیمیت بین دکتر معتمدنژاد و دانشجویان در نسل‌های مختلف سخن راند. دکتر معتمدنژاد دست کم سه نسل از شاگردان را به‌طور مستقیم آموزش داده بود. پس از او، حسین سلیمی، سرپرست دانشگاه علامه طباطبائی، پشت تریبون رفت. سلیمی به بازنشسته کردن دکتر معتمدنژاد در سال‌های گذشته اشاره کرد و گفت: «کسانی که تلاش کردند در دورمای با بازنشسته کردن اساتید بزرگ، حضور آنها را کم‌رنگ کنند امروز با نگاه کردن به این جمع، ببینند که بازنشستگی برای اساتید معنا ندارد.» دیروز چند نفر از سخنرانان و مجری برنامه، به بازنشستگی او اشاره کردند و از قول استاد مرحوم هم گفتند که او در همان ایام خانه‌نشینی گفته است که «معلم بازنشستگی ندارد.» هر شخصیتی که داخل سالن می‌شد، عکاسان رسانه‌ها جلوش حاضر می‌شدند و صدای دوربین‌ها در سالن می‌پیچید. هادی خانیکی در جایگاه سخنرانی حاضر شد. به خانواده دکتر معتمدنژاد تسلیت گفت و

جامعه

بدرقه بنیانگذار علوم ارتباطات ایران از دانشگاه به خانه ابدی

واپسین وداع ۳ نسل با «استاد»

سعید ارکان زاده یزدی

خبر داد که بسیاری از افراد از درون و برون کشور برای در گذشت معتمدنژاد پیام تسلیت فرستاده‌اند. از مائوئل کستلز، جامعه‌شناس صاحب‌نام اسپانیایی، نام برد که برای در گذشت معتمدنژاد پیام تسلیت فرستاده است. خانیکی بدون اینکه اشارای به موضوع بازنشستگی معتمدنژاد بکند، کنایه‌ای زد که «استاد وفا کرد و جفا دید». خانیکی سپس بر «پدر» بودن معتمدنژاد تأکید کرد و گفت اگر او لقب «پدر» علوم ارتباطات را بر خود گرفته، «از میان هیاهو و تبلیغات نبوده و کسی تصمیم نگرفته که به او نام پدر بدهد، بلکه او خود پدری کرد و پدر شد.»

سالن پر شده بود و از حیاط دانشکده هم صدای صلوات به گوش می‌رسید. پیکر دکتر معتمدنژاد رسیده بود اما همچنان چهره‌های آشنا به سالن وارد می‌شدند. محمدعلی ابطعی آمده بود، حسین انتظامی معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد، محمدرضا صادق مشااور رییس‌جمهور که پیام تسلیت حسن روحانی را خواند، یونس شکرخواه، علی‌اکبر قاضی‌زاده، شهیندخت خوارزمی، احمد مسجدجامعی، محمد سلطانی‌فر، سیدفرد قاسمی، امیدعلی مسعودی، احمد میرعبادی، مینو بدیعی، نصرالله پورجوادی، حسین افخمی، علی‌اکبر اشعری و نیز مهدی محسنیان را که موقع نماز میت، بالای سر پیکر معتمدنژاد در حیاط دانشکده اشک می‌ریخت.

از دانشگاه تهران هم استادان ارتباطات که به‌طور



عکس‌ها: مهدی موزن

سنتی رقیب علمی دانشگاه علامه به حساب می‌آیند، در مراسم حاضر بودند و در جمع حاضر در حیاط دانشکده و سالن اجتماعات، می‌شد اعظم راوردرد و مسعود کوثری را دید و نیز یوسف ابازی را که سخنران مراسم نیز بود. ابازری در اواخر دهه ۴۰ دانشجوی دانشکده علوم اجتماعی بود. پشت تریبون رفت و گفت که روزنامه‌نگاری آکادمیک را دکتر معتمدنژاد بنیاد نهاده است. پس از ابازری، سیدمحمود دعایی، مدیر مسئول روزنامه اطلاعات هم تکهای از پیام تسلیت سیدمحمد خاتمی را خواند و جمعیت به حیاط سرازیر شد.

جمعیتی که همه حیاط و راهروها و بخشی از پیاده‌روی خیابان کنار دانشکده را پر کرده بودند، بر پیکر دکتر معتمدنژاد نماز خواندند. «لااله الاالله» گفتن که بلند شد، جمعیت نر‌نرم و خوددار می‌گریست. پیکر بر دوش مشایعان بلند شد و جمعیت به خیابان ریخت. اتوبوس‌ها چند ده متر دورتر از دانشکده، کنار میدان کتابی ایستاده بودند تا به بهشت‌زهرها و قطعه نام‌آوران بروند. گوشه‌های استادان و کناری روزنامه‌نگاران، دور هم جمع شده بودند تا وقت حرکت برسد. ماشاءالله شمس‌الواعظین، عیسی سحرخیز، کامبیز نوروزی و کنار، عباس عسدی، حلقه‌ای تشکیل داده بودند. جایجا، آشناهایی که سال‌ها یکدیگر را ندیده بودند، کنار می‌ایستادند و گپ می‌زدند. آفتاب بالاتر آمده بود و می‌تابید تا سرمای هوا را بکاهد. روزنامه‌نگاران، دانشجویان و استادانی که در رفت‌وآمد بودند، در همان خیابان کنار دانشکده ایستاده بودند که بنا بود روزگاری به نام دکتر کاظم معتمدنژاد نامگذاری شود. دیروز همه از نامگذاری یک خیابان، جایزه یا گردهمایی سالانه به نام دکتر معتمدنژاد سخن می‌گفتند. صاحبخانه رخت سفر بسته بود و دیگران تازش می‌کردند که جایش را خالی نگذارند. همه حاضر بودند تا غایب بزرگ جمع را دم در خانه‌اش بدرقه کنند و بگویند «خداحافظ آقای معتمدنژاد»

نگاه

درباره طرح جمعیت و تعالی خانواده

زهره ارزنی

افراد برای تشکیل خانواده، باید ابتدا درآمدی داشته باشند که بتواند به امر ازدواج و تشکیل خانواده فکر کنند. وقتی این امکان را از افراد مجرد می‌گیریم، چگونه توقع داریم تشکیل خانواده دهند؟

امروزه زنان مهریه‌های سنگین تعیین می‌کنند. وقتی علت را جویا می‌شوید جواب می‌دهند که خب به موجب قانون زن حق طلاق ندارد، ریاست خانواده از آن مرد است، اشتغال زوجه منوط به اجازه زوج است و دیگر مواردی که پس از ازدواج زن با آن دست می‌دهد یا برای اجرای خیلی از موارد نیاز به اجازه شوهر دارد، پس این مهر سنگین اهرم فشاری است دست زن. همین تعیین مهریه‌های سنگین، معضلی برای مردان جوان است. زنان هم واهمه دارند که با ازدواج اکثر حقوق ابتدایی خود را از دست می‌دهند یا حقوقشان مشروط می‌شود به اذن فرد دیگری. پس عطای چنین زندگی را به لقای آن می‌بخشند. فرزندآوری هم که جای خود دارد، وقتی زن ایرانی حتی بعداز فوت همسرش هم نمی‌تواند سرپرست فرزندش باشد. زن از نظر قانونی هیچ اختیاری ندارد پس چه منطقی پشت سر فرزندآوری است وقتی که حتی نمی‌تواند کوچک‌ترین تصمیمی درمورد فرزندش بگیرد، تا زمانی که شوهر است، او تصمیم می‌گیرد ولی اگر شوهر نباشد، زن باید برای انجام هر کاری از اداره سرپرستی اجازه بگیرد، چون قانونگذار به او اعتماد ندارد و کلیه امور اصلی فرزند را در ید پدر و جد پدری و بعد از فوت آنها در ید دادستان محل گذاشته است. این موارد در ظاهر خرد که شاید هم به چشم نیاید، ولی جوان ایرانی را از تشکیل خانواده می‌ترساند. اگر جوان ایرانی بداند که تشکیل خانواده لطمه‌ای به حقوق اولیه او وارد نمی‌کند و زندگی مشترک نهاد کوچکی است که زن و مرد با هم تلاش می‌کنند که آن را به وجود آورند و به‌طور مساوی از آثار و نتایج آن بهره‌مند شوند، مطمئنا راحت به این موضوع تن می‌دهند.

پس بایستی به قوانین دیگری هم فکر کنیم که موجب نابرابری و تبعیض بین زن و مرد شده و با ایجاد نگرانی بین افراد، باعث سرباز زدن افراد از تشکیل خانواده شده است.

و در آخر تأکید می‌کنم که تقلیل موضوع کاهش جمعیت به بحث اقتصادی و محروم کردن اقشار جامعه از کسب درآمد به دلیل نداشتن فرزند، تبعیض مضاعفی است که به افراد جامعه تحمیل می‌شود. به نظر من، بحث درمورد علل کاهش جمعیت نیاز به تحقیقات میدانی دارد و باید تمامی نتایجی که از این تحقیقات به دست می‌آید، مورد توجه قرار گیرد و تمامی مواردی که باعث ایجاد دغدغه و نگرانی برای زنان و مردان و ممانعت آنان از فرزندآوری می‌شود، رفع شود.

خبر

رییس سازمان ثبت اسناد و املاک خبر داد افزایش ۳۱ درصدی از دواج موقت در کشور

● **فارس:** رییس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور گفت: از ابتدای اسمال تا آخر مهر، ۱۹۲ مورد ازدواج موقت در کشور به ثبت رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۳۱درصد افزایش داشته است. احمد توپسرکانی ادامه داد: به موجب قانون حمایت از خانواده الزامی به ثبت رسمی ازدواج‌های موقت وجود ندارد مگر اینکه در مواردی زوجین توافق کنند یا زوجه باردار باشد که در این صورت مبارت به ثبت رسمی می‌شود.

وزیر آموزش و پرورش:

کتاب‌های جدید با عجله تألیف شده است

● **ایلنا:** وزیر آموزش و پرورش گفت: متاسفانه کتاب‌های جدید با عجله تألیف شده است و به همین دلیل خالی از اشکال نیست «علی‌اصغر فانی» افزود: کتاب باید مبتنی بر اهداف تعلیم و تربیت باشد و اهداف در دوره ابتدایی پنج ساله بوده و مشخص نیست کتاب‌های ششم یا چه هدفی تدوین شده است، به هر حال کار آغاز شده و ناچار باید در حرکت نسبت به اصلاح و بهبود آن اقدام شود.

ثبت سالانه ۱۱ هزار مرگ مرتبط با سیگار در کشور

● **ایلنا:** سیاری معاون بهداشت وزارت بهداشت گفت: سالانه ۳۸۰ هزار مرگ در کشور اتفاق می‌افتد که ۹۱ هزار مورد آن مربوط به سکنه‌های قلبی است و متاسفانه سن ابتلا به سکنه قلبی در کشور کاهش یافته است. وی سکنه‌های مغزی را دومین و حوادث ترافیکی را سومین علت بیشترین مرگ‌ومیرها در کشور برشمرد و با اشاره به اینکه حدود ۱۰ درصد از جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال (پنج‌میلیون نفر) کشور اقدام به استعمال دخانیات می‌کنند، گفت: متاسفانه این جمعیت رو به افزایش است و سالانه ۱۱ هزار مرگ مرتبط با سیگار در کشور ثبت می‌شود.

رییس مرکز سنجش آموزش و پرورش:

کنکور هیچ‌گاه حذف نخواهد شد

● **ایسنا:**عبدالرسول عمادی، رییس مرکز سنجش آموزش و پرورش با بیان اینکه براساس قانون سنجش و پذیرش دانشجو که در شهریور ۹۲ مصوب شده، نهایتا تا ۸۵درصد ظرفیت پذیرش دانشجو در کل کشور بر مبنای سوابق تحصیلی خواهد بود، گفت: بر این اساس کنکور هیچ‌وقت حذف نخواهد شد.

ابتکار:

نمایندگان مجلس، مرجع تشخیص علت آلودگی هوای اهواز نیستند

● **ایسنا:** رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست درخصوص سخنان نمایندگان مجلس شورای اسلامی مبنی بر آلوده‌بودن ریزگردهای شهر اهواز به اورانیوم، اظهار کرد: نمایندگان مجلس مرجع تشخیص علت آلودگی هوای اهواز نیستند. دکتر معصومه ابتکار افزود: برای تشخیص علت آلودگی هوای شهر اهواز و مسممیت مردم دستگاه‌های پیشرفته‌ای را فرستاده‌ایم و نتایج به‌زودی اعلام خواهد شد. وی با بیان اینکه نمی‌توانیم یک‌شنبه مشکل آلودگی هوای کلاشهرها را حل کنیم، افزود: در شهر اهواز برنامه‌های جدی در دست داریم از جمله اینکه صنایع باید تمام فعالیت خود را استاندارد کنند و وزارت نفت باید سوخت مناسب به مردم تحویل دهد. رییس سازمان حفاظت محیط زیست تصریح کرد: با وجود آنکه ضوابطی را برای صنایع و وزارت نفت تعیین کرده‌ایم و آنها باید هرچه سریع‌تر آن را اجرا کنند اما باید در نظر داشت که این فعالیت‌ها برای استقرار استانداردها هشت سال تعطیل بوده و تنها صد روز از دولت جدید می‌گذرد و با مشکلات بسیاری مواجه هستیم.

مالکیت کاخ‌های سعد آباد و نیاوران به بنیاد مستضعفان رسید

● **مهر:** مالکیت دو کاخ سعدآباد و نیاوران همواره محل مناقشه میان بنیاد مستضعفان و سازمان میراث فرهنگی بوده است. هر یک از این دو نهاد بر اساس برخی مستندات ادعای مالکیت این کاخ‌ها را دارند اما در تازه‌ترین اتفاق دادگاه بدوی رای به نفع بنیاد مستضعفان و مالکیت آن بر این دو کاخ داده است. بنیاد مستضعفان و سازمان میراث فرهنگی چند سالی است که بر سر مالکیت دو کاخ سعدآباد و نیاوران مناقشه دارند.

عضویت ۱۴ درصد کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی

● **مهر:** رییس پلیس جرایم سایبر گفت: ۱۴درصد کاربران ایرانی از اینترنت برای حضور در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. سردار کمال هادیانفر اظهار کرد: امروز بیش از ۵۵میلیون نفر کاربر اینترنت در کشور وجود دارد در حالی‌که ۲۳میلیون نفر آنان را جوانان تشکیل می‌دهند. ۴۱درصد کاربران ایرانی از اینترنت برای جست‌وجوی اطلاعات و اخبار، ۱۹درصد خدمات بانکداری الکترونیک، ۱۶درصد تالود، ۱۴درصد شبکه‌های اجتماعی و ۱۰درصد به‌عنوان فروشگاه اینترنتی استفاده می‌کنند.